



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۲	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۲۳
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

نقش پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی و سازو کارهای حاکم بر آن

خانم دکتر زینب بنی اسدی

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی و مدرس دانشگاه

چکیده

رویکردهای نوین به مقوله ی امنیت و تمرکز بر ایجاد و بازتولید آن در جامعه ، لزوم افزایش تعامل پلیس با افراد جامعه، ارتباط با متولیان ، زمامداران و سیاستگذاران پیشگیری را به منظور جلب مشارکت اجتماعی همکاری و هماهنگی در تأمین و ارتقاء سطح امنیت ، امری اجتناب ناپذیر نموده است. به همین دلیل نیز سیاستها و راهبردهای پلیس در ارتقاء امنیت با گذشت زمان سیر تکاملی به خود گرفته است. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گردیده بیانگر نقش پلیس در ارتقاء امنیت اجتماعی و ساز و کارهایی است که می تواند علاوه بر توسعه ی پلیس جامعه محور ، با استفاده از برنامه های مدون و بهره گیری از پتانسیل های موجود و افزایش ظرفیتهای محلات، تعامل و مشارکت عمومی با سایر دستگاه ها را گسترش داده ، پلیس خواهد توانست زمینه های افزایش نظارت عمومی در جامعه را فراهم آورده و به تبع آن، احساس امنیت اجتماعی را ارتقاء دهد. یافته های این پژوهش بیانگر آن است وقتی افراد جامعه و پلیس با یکدیگر همکاری کنند کیفیت زندگی در جامعه بهبود یافته و امنیت تقویت می شود. این رویکرد مبتنی بر این باور است که پلیس و جامعه در کنار یکدیگر می توانند کارهایی را انجام دهند که به تنهایی قادر به انجام آنها نخواهند بود. دستاورد اصلی پلیس در این رویکرد بالا بردن آرامش و رضایت شهروندان و ایجاد احساس امنیت در جامعه است به طوری که برقراری پایدار امنیت اجتماعی در سطح جامعه با مشارکت نهاد های اجتماعی از جمله خانواده ها تأمین می شود.

واژگان کلیدی: پلیس ، جامعه ، جرم ، امنیت اجتماعی ، مشارکت اجتماعی

طبقه بندی : JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



The Role of the Police in Enhancing Social Security and the Mechanisms Governing It

Abstract

Social prevention by police as security guard in society obtain by focus on main social causes of crime and considering them to know the social environment situation for destroying the roots of offences and crime .nowadays in developed countries , the police passed his dictatorship period and began the new period of socialization . in this point police move toward creating intimate relationship with citizens and informing them . by establishing local police uses from public contribution for reaching to its most important goals and consider the security as a public product . in social prevention , police create close interaction with families and social , cultural and religious institutions . the police , consider teenagers problems extremely as a main cause of lots of offences in society . by formation of woman police , because of children and women offences wide programs have made for knowing their problems and for obtaining both social and developing prevention uses from religious teaching and create strong interaction with mosques for propagating Islamic orders and well-known recommendations and prohibition from abnegating .

Keywords: police – Community- Crime - Social Security - Participation Social



متن مقاله

زندگی آن ها کمک کند. از لحاظ تجربی نیز شواهد حاکی از آن است که پیاده سازی برنامه های پلیس جامعه محور و آگاهی شهروندان از این امر، فارغ از شیوه اجرای آن، در بیشتر موارد موجب کاهش احساس ناامنی و ارتقاء امنیت اجتماعی شهروندان شده است. با توجه به تغییر و تحول فوق العاده سریع در جوامع کنونی در عرصه های مختلف، سازمان ها و نهادهای پلیسی و انتظامی نیز از این تغییرات مصون نمانده و در سیرتاریخی خود برای ایفای کارکردها و نقش های جدیدی که بر عهده آن گذاشته شده، اشکال و سازو کارهای نوینی در نظر گرفته اند. پلیس ایران نیز، رویکرد جامعه محوری را برای بازسازی ساختارها و روشهای اجرایی در مأموریتها

۱- Security

۲- Social Security

۳- Community Policing

محوله ی خود انتخاب کرده است. با این وصف، نیروی انتظامی به رغم تغییر رویکرد از تهدید محوری به جامعه محوری و روی آوردی به روش های نرم افزاری در تأمین امنیت، درسالهای اخیر صرفاً توانسته است از بخشی از ظرفیت ها و سرمایه های بالقوه اجتماعی موجود در تولید، حفظ و ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان بهره گیرد. مسلم است آنچه سازمان های پلیسی را به چالش می کشاند و موجبات بازنگری و تجدیدنظر در امنیت بخشی می گردد، نحوه نگرش به امنیت و به دنبال آن، سازوکارهای امنیت در چشم انداز آینده است. به عبارت دیگر، حوزه امنیت مستثنی از سایر پدیده های اجتماعی و سیاسی نیست و به مرور زمان باید در جهت

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متولی امنیت ۱ در جامعه جایگاهی ویژه در کنترل و پیشگیری از جرم دارد. در این راستا نخست باید امنیت را تعریف و تبیین نمود و بعد به چگونگی گسترش آن در سطح جامعه توسط پلیس برای ارتقاء امنیت اجتماعی ۲ و پیشگیری از جرم و ساز و کارهای آن پرداخت. بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه، تکامل جامعه و شکوفایی استعدادها، مهمتر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه، خلاقیت و تحرک اجتماعی اثربخش، بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. (معینی فر، ۱۳۹۹، ۵۲) اهمیت پژوهش در راستای موضوع پلیس و نقش آن در ارتقاء امنیت اجتماعی از آنجا ناشی می شود که پلیس به عنوان متولی امنیت در جامعه نقش بسیار کلیدی و مهم در ایجاد امنیت پایدار و پیشگیری از وقوع جرائم دارد و می تواند با تغییر روش از تهدید محوری به جامعه محوری و روی آوردی به روش های نرم افزاری در تأمین امنیت از همه ظرفیت ها و سرمایه های بالقوه اجتماعی موجود در تولید، حفظ و ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان بهره گیرد. (نوبهار، ۱۳۹۸، ۱۲) لذا در صورتی که مفاهیم پلیس و امنیت اجتماعی به طرز صحیحی تبیین گردد پلیس می تواند با گام گذاری در مسیر صحیح به این مهم دست یابد. رویکرد «پلیس جامعه محور» ۳ در یکی دو دهه گذشته نه تنها به لحاظ تئوریک بلکه به لحاظ تجربی نیز رشد قابل توجهی داشته است و به جرات می توان گفت یکی از مهم ترین ملاک های اثربخشی و کارایی «پلیس جامعه محور» توانایی آن در افزایش ارتقاء امنیت شهروندان است. به لحاظ نظری با توجه به اتخاذ رویکرد پایین به بالا و شکل دهی و ارتقاء سرمایه اجتماعی و از طریق شناسایی و پیشگیری از وقوع جرم و توجه به دیدگاه های شهروندان می تواند به افزایش رضایتمندی، احساس امنیت و در نهایت کیفیت



واژگان پرداخته شود.

۱- بند اول ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی: "استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی"

گفتار اول - مفاهیم و مبانی امنیت

امنیت مفهومی بسیار لغزنده است؛ به گونه ای که محمول های متعددی را اعم از افراد، جامعه، دولت و ... شامل می شود. (افتخاری، ۱۳۹۸، ۹). رابرت ماندل بر این اعتقاد است که امنیت به لحاظ مفهومی چهره ای متغیر دارد؛ از همین رو ارائه تعریفی کامل از امنیت، مستلزم بررسی و پژوهش درخصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحاد است. (ماندل، ۱۳۹۶، ۴). امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارایه تعریفی واحد از آن به سادگی میسر نیست.

۱- مفهوم لغوی

واژه امنیت مأخوذ از ریشه «أمن» به زبان عربی است. در تعریف لغوی، امنیت عبارت است از محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است. امنیت به معنای در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن است. در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی تعریف شده است. در مجموع می توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود بیم و هراس نسبت به حقوق و آزادی های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی ها و مصون بودن از هرگونه تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف کرد (میرمحمدتبار، ۱۳۹۸، ۹) که البته این تعریف نیز خود جای تفسیر بسیاری دارد.

۲- مفهوم اصطلاحی

اهداف مطلوب دستخوش تغییر شود. (مرادیان، ۱۳۹۸، ۱۴). در این نوشتار به تبیین و بررسی مولفه های موثر در ارتقاء امنیت اجتماعی، تعاریف و مفاهیم و ساز و کارهای آن در نیروی انتظامی پرداخته می شود. مفهوم شناسی و مبانی نظری تحقیق

امنیت؛ نیاز اولیه آدمی است که در زیست جمعی انسانها وضعیت و حساسیت خاصی پیدا می کند. انسانها می کوشند به هر طریقی امنیت خود را تأمین کنند؛ آنان در صحنه زندگی جمعی و برای رهایی از تهدیدها به ناچار درگیر نزاع و کشمکش با یکدیگر می شوند. از این نقطه عزیمت است که نیاز به وجود یک داور و مرجع مشترک و مقتدر به وجود می آید تا با پذیرش او از جانب طرفین، از بروز ناامنی بیشتر ممانعت شود. این نیازها و این شرایط، اگر چه در سطح کلان به تکوین دولت می انجامد، اما در سطح خرد به وجود سازمان انتظامی جوامع یعنی پلیس معطوف است. در کشور ما، وظیفه اصلی تأمین نظم و امنیت جامعه به عهده نیروی انتظامی می باشد. بند اول ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱) بنابراین، بررسی مفهوم امنیت در این خصوص و همچنین ساز و کارهای نیروی انتظامی در تأمین امنیت جامعه اسلامی و همچنین ویژگی های پلیس شایسته اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در این فصل قبل از ورود به مسائل کلی، معنا و مفهوم امنیت و تعریف و نقش پلیس در ایجاد امنیت اجتماعی را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم.

۱- مفاهیم و تعیین مصادیق امنیت

اولین گام جهت ورود به مباحث بنیادین هر پژوهشی، معنا و مفهوم شناسی اصطلاحات مطروحه در این زمینه می باشد. در این طریق با بهره گیری از کتب لغتنامه فارسی، سعی شده به بررسی لغوی و اصطلاحی این



علاوه بر این عوامل جنبه های نرم افزاری امنیت مانند مشروعیت نظام سیاسی، وحدت و همبستگی اجتماعی قدرت تصمیم گیری، مدیریت توانمند اقتصاد و توسعه امور فرهنگی و اطلاعاتی اهمیت بسیار زیادی در مباحث امنیتی دارند. بنابراین امنیت از مقوله های اساسی نیازمندی های انسان بوده و نعمت امنیت، ریشه و اساس همه نعمت های الهی است. با فقدان امنیت تمام امور مادی و معنوی فردی و اجتماعی نیز به خطر می افتد. رابرت مندل بر این اعتقاد است که امنیت به لحاظ مفهومی چهره ای متغیر دارد. از همین روست که ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت تهدید و اتحادها است. (ماندل، ۱۳۹۶، ۲۲). باری بوزان در کتابی با عنوان مفهوم شناسی امنیت آورده است «مفهوم امنیت همچنان به عنوان یک ارزش مناقشه آمیز سیاسی تکامل نیافته و درحاله ای از ابهام و عدم شفافیت باقی مانده است» (باری بوزان، ۱۳۹۲، ۱۴). مسعود چلبی در کتاب جامعه شناسی نظم در خصوص امنیت می گوید «ناامنی حالات یا موقعیت هایی هستند که نظم و انسجام و آرامش جامعه را برهم می زنند» (چلبی، ۱۳۹۷، ۸۵). آرنولد ولفرز نیز معتقد است «امنیت در معنای عینی نبود تهدید برای ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی عدم ترس و وحشت از اینکه چنین ارزش هایی مورد هجوم واقع بشوند» (ولفرز، ۱۳۹۵، ۱۳). عباسعلی عمید زنجانی در مورد مفهوم امنیت چنین می گوید «مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید» (عمید زنجانی، ۱۳۹۶، ۵۴).

۳- مبانی حاکم بر امنیت

مقوله امنیت به دلیل اهمیت ویژه اش در حوزه زندگی انسان، حوزه

امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن افراد در جامعه ای که زندگی می کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. «امنیت» پیش از آن که مقوله ای قابل تعریف باشد، پدیده ای ادراکی و احساسی است. (بوزان، ۱۳۹۶، ۱۱). به طور کلی، امنیت در بُعد اصطلاحی، فقدان تهدید نسبت به ارزش ها، منافع و اهداف در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه بنیان های ملی ارزش ها، منافع و اهداف مورد هجوم واقع شوند را مورد سنجش قرار می دهد.

امنیت واژه ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مسائل بسیار مهم دولتها، مشمول مفهوم امنیت است. ریشه ی لغوی «امنیت» از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی متداول شده است و تقریباً با مفهومی مشابه در ادبیات فارسی استعمال می شود. از زمانی که بشر برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت تا عصر حاضر که به دنبال صنعتی شدن و فناوری های نوین طالب قدرت و برتری بر دیگر هموعان می باشد، امنیت چه در بعد فیزیکی و چه در بعد روانی آن، همواره یکی از دغدغه های اصلی وی بوده است. متناسب با پیچیده ترین شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت های ساده و اولیه که جنبه فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و نامحسوس امنیت در جنبه های گوناگون اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد. (هاشمیان فر، ۱۳۹۸، ۱۵) لذا بعد نرم افزاری امنیت اهمیتی به مراتب بیشتر از بعد سخت افزاری آن پیدا می کند. بدین معنی که اگر در گذشته عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت مانند پلیس، قاضی، اسلحه، حفاظت فیزیکی و ... بیشترین اهمیت را در تأمین امنیت داشتند. در عصر حاضر



تکیه گاه ایدئولوژی یا ایمان مذهبی است و معمولاً مبتنی بر یک سری اصول مقدس بنا می شود. جهان بینی فلسفی مبتنی بر یک سلسله اصول بدیهی، غیر قابل انکار و فراگیر است که با روش برهان و استدلال پیش می رود و چهره کلی جهان را ترسیم می کند (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۵-۹) درحالی که جهان بینی علمی مبتنی بر آزمون عملی دقیق، مشخص و جزئی است که در عین ارائه اطلاعات بسیار در مورد یک پدیده، محدود به آزمون و فرضیه است. درواقع با وجود اینکه جهان بینی علمی و فلسفی هر دو مقدمه عمل هستند، جهان بینی علمی نسبت به جهان بینی فلسفی جزئی نگرتر است و دقت بیشتری در تبیین پدیده ها دارد.

ب. جهان بینی توحیدی و امنیت

در جهان بینی توحیدی مبدأ و غایت همه موجودات در جهان، ذات باری تعالی است و همه این موجودات با نظامی هماهنگ به یک سو و به طرف یک مرکز تکامل می یابند درواقع، جهان بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر، جود، رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آن ها استوار است. (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۳) جهان بینی اسلامی که یک جهان بینی توحیدی است، بر مبنای اعتقاد به وحدانیت ذات باری تعالی شکل گرفته است و از این دیدگاه، همه جهان هستی مخلو خدای یگانه است. معنای پذیرش چنین وضعیتی این است که وجود انسان در طول اراده خداوند است. به تبع این نوع نگرش به جهان هستی، امنیت بر اساس نوع رابطه طولی بین خدا و انسان، از یک سو در ایمان دینی و از سوی دیگر، در ایمنی مادی تعریف می شود. (کریمی، ۱۳۹۶، ۱۱) درواقع، بر مبنای جهان بینی اسلامی به عنوان یک جهان بینی توحیدی، ایمان به خدا و ایمنی انسان در طول یکدیگر معنا می یابند.

نظریه پردازی در جوامع و روابط بین الملل را نیز تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که بخشی عمده از تلاش نظریه پردازان مکاتب امنیتی و روابط بین الملل به تجزیه و تحلیل مفهوم، ابعاد و نظام های امنیتی معطوف گردیده است. از آنجا که هریک از نظریه های این مکاتب، مبانی فرانظری خاصی دارند، درنتیجه، دیدگاهی متفاوت از مفهوم امنیت ارائه می دهند. به عبارتی دیگر می توان گفت، امنیت نخستین نیاز انسان و نخستین کارویژه حکومت هاست. امنیت در مطالعات معاصر امری به شدت ذهنی، نسبی و برساخته از نیاز اجتماعات بشری به این مفهوم مهم معرفی شده است. لذا با گذشت قریب یک قرن برای تبیین مفهومی آن، هنوز مفهومی مشترک و جهان شمول حاصل نشده است و همچنان نیاز مجادلات درباره آن در قالب ارائه نظریات متفاوت در رشته های روابط بین الملل، مطالعات راهبردی و مطالعات امنیتی ادامه دارد. امنیت همچنین به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد تعاریف و تفاسیر بسیاری قرار گرفته است. (بوزان، ۱۳۹۴، ۱۱) و مکاتب امنیتی متعددی در چارچوب تفکر غربی شکل گرفته است که هرچند هر کدام دارای مزایا و معایبی در شناخت، تعریف، تجزیه و تحلیل و حتی کاربرد امنیت هستند واقعا دشوار است بتوان گفت کدام یک از این مکاتب یا تعاریف و تفاسیر آن ها دقیق تر و جامع تر است.

الف. جهان بینی مادی و امنیت

جهان بینی، نوع برداشت و طرز تفکری است که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می کند. جهان بینی ها یا به عبارت دیگر، تعبیر و تفاسیر انسان از جهان از سه منشأ دین، فلسفه و علم الهام می گیرند که این منابع می توانند در ادامه یکدیگر یا در تعارض با هم تعریف شوند. در جهان بینی دینی (فارغ از منشأ دین که می تواند الهی یا زمینی باشد)، بر باورهای ثابت و جاودانه تأکید می شود بنابراین، این شکل از جهان بینی



از نظر گیدنز "امنیت" را می توان موقعیتی خواند که در آن، یک رشته خطرهای خاص، به حداقل رسانده یا با آنها مقابله می شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت، چه به معنای بالقوه و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموعه هایی از آدم ها تا مرز امنیت جهانی یا به افراد، ارتباط داشته باشد. به این ترتیب گیدنز، مصونیت در برابر خطر را امنیت، نامیده است.

در نظر او خطر و امنیت، دو روی یک سکه را تشکیل می دهند؛ به گونه ای که وقتی امنیت وجود دارد، خطر رخت بر می بندد و بالعکس، هنگام دست و پنجه نرم کردن با خطر، امنیت، مغشوش و پنهان است؛ سپس او به طرح امنیت وجودی؛ به عنوان یکی از صورتهای مهم امنیت پرداخته و از ضرورت امنیت وجودی برای مقاومت در برابر هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته سخن گفته است. امنیت وجودی از نظر گیدنز؛ عبارت است از: ایمن بودن؛ یعنی در اختیار داشتن پاسخ هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش های وجودی بنیادین که همه آدمیان، طی عمر خود به نحوی مطرح کرده اند. (نویدینا، ۱۳۹۵، ۳۳) به عبارت دیگر، اصطلاح مذکور به اطمینانی برمی گردد که بیشتر آدمها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط های اجتماعی و مادی کنش، در اطراف خود دارند.

۳- دیدگاه باری بوزان

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب «مردم، دولتها و هراس» به کار برد. امنیت اجتماعی، تنها یکی از ابعاد امنیت است. بوزان بر این باور است که جوامع به مقوله هویت، اهمیت بسیار می دهند. وی به طریق مشابه «ویور» چنین استلال می کند. مقوله کلیدی اجتماع؛ عبارت است از آن دسته عقاید و اعمالی که افراد، آن را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی می کنند و باز می شناسانند. اجتماع،

۴- رویکردهای نظری به امنیت

۱- دیدگاه پارسونز

پارسونز جامعه را متشکل از اجزایی می دانست که اصطلاحاً پایگاه نقش ها می شود. (ورسلی، ۱۳۸۷، ۶۵) بنابراین، وقتی خرده سیستم ها به ایفای نقش های خویش بپردازند و آسیبی متوجه آنان نباشد؛ همچنین، امکان کسب فرصتها برای انسجام آنان فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار می شود. پارسونز برای امنیت اجتماعی، چهار بعد قائل است که هرکدام از آنها به یک خرده سیستم جامعه مربوط می شوند و از برآیند برخورداری از آنها می توان به تحقق امنیت در سطح جامعه امید داشت.

امنیت مالی و اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی و فرهنگی، به ترتیب، در نظام فکری پارسونز ضروری هستند و هریک از جایگاه خاصی برخوردارند. فقدان هریک از این ابعاد، روند عادی را دچار اختال می نماید و دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشان حالی می کند؛ بنابراین، برای داشتن جامعه ای توأم با آرامش و اطمینان خاطر لازم است به هر چهار بعد امنیت توجه داشت و با تضمین آنان، امنیت جامعه را فراهم نمود (نویدینا، ۱۳۹۵، ۸۰)

لذا به استناد تعاریف جامعه، برداشت ما راجع به امنیت اجتماعی، متعدد، مختلف، متفاوت و گاهی متناقض خواهد بود. گرچه هدف آن، انکار چشم اندازهای گوناگون نیست؛ اما برای رسیدن به اجماع نظری درحوزه معانی امنیت اجتماعی، نباید از این نکته اساسی غافل بود که امنیت اجتماعی، گرچه به امنیت و اجتماع تکیه زده است؛ اما خود مفهوم جدیدی را شکل می بخشد که نیازمند نگاهی متفاوت است؛ از این رو، لازم است با نگرشی متفاوت و در عین حال مستقل از واژه های تشکیک دهنده آن، به بحث و مطالعه، راجع به آن پرداخت.

۲- دیدگاه آنتونی گیدنز



تلقی می شود با آنچه در عمل می تواند تهدید باشد، ممکن است کاملاً متفاوت باشند؛ شاید نتوان تهدیدات واقعی را با دقت دید؛ شاید هم تهدیداتی که فرضی تلقی شده اند واقعی نباشد؛ اما ممکن است دارای آثار واقعی گردند. در مجموع، تهدیداتی که امنیت اجتماعی را به خطر می اندازند، زمانی روی می دهند که جامعه ما به این نتیجه دست یابد که در شرایطی خاص، هویت آنها مورد تعرض و خطر واقع شده است. عواملی که می توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از آزادی بیان تا مداخله در قابلیت های آن برای ابراز و بیان خود، تنوع داشته باشند. به عقیده بوزان این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: "ممنوعیت به کارگیری زبان، نام و لباس ها؛ همچنین بستن مکان های آموزشی و دینی یا تبعید و

کشتار اعضای آن گروه خاص و تهدیداتی که ممکن است از طریق به کارگیری و استفاده مداوم از اقدامات سرکوبگرانه بر ضد بیان و ابراز هویت، صورت گیرند. اگر مؤسساتی که زبان و فرهنگ تولید می کنند از ادامه فعالیت منع گردند، طبیعی است که هویت نمی تواند از یک نسل به نسل دیگر به صورت درست و کارا انتقال یابد؛ بنابراین، برخی تهدیدات که متعرض امنیت اجتماعی می شوند ممکن است نظامی باشند؛ از جمله کشتن اعضای گروه و فتح قلمروی تاریخی آنها؛ اما برخی تهدیدات نیز ممکن است غیرنظامی باشند؛ مثل محروم کردن گروه ها از حقوق زبانی و آزادی دینی و پرستش؛ بنابراین، با قدری تأمل می توان دریافت در شرایطی که بسیاری از جوامع، نگران نا امنی های پیرامون تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود هستند، حادث ترین و مهمترین نوع ناامنی که از آن غافل مانده اند مربوط به تهدیدکننده های تداوم هویتشان می شود. (بوزان، ۱۳۹۷، ۳۶)

درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروه ها و افرادی که خود را اعضای اجتماعی می دانند. (بوزان، ۱۳۹۴، ۲۷)

امنیت اجتماعی، تنها یکی از بخش های پنجگانه رویکرد پنج بعدی او به فرضیه امنیت است. دیگر بخش های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی.

به طور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی، ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژی ای است که به آنها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت است. امنیت اجتماعی، به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی با شرایط قابل قبولی از تحول، مربوط می شود. امنیت زیست محیطی، ناظر است بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش، جدا از یکدیگر عمل نمی کنند. هر یک از آنها دارای کانون مهمی در درون مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت ها می باشند و از طریق ارتباط هایی قوی به یکدیگر متصل هستند. (بوزان، ۱۳۹۴، ۳۶)

به عقیده بوزان، جوامع، درباره مقوله هویت، بسیار اساسی برخورد می کنند. او استدلال می کند که مقوله کلیدی جامعه، هویت است؛ به عبارت دیگر جوامع، متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند؛ همان چیزی که به افراد و گروه ها امکان می دهد خود را به عنوان جزئی از جامعه تلقی نمایند. با این تفاسیل، او امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می کند (بوزان، ۱۳۹۷، ۴۳)

بوزان تعریف شرایطی که در آن یک خطر جدی، امنیت اجتماعی را تهدید می کند، کار مشکلی می داند و چنین ابراز می دارد "آنچه تهدید



۴- دیدگاه ال ویور

تعریفی که ویور از امنیت اجتماعی به دست می دهد، همسو با تعریف بوزان است. ویور می گوید امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است. به طور خلاصه، این نوع امنیت بر قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و رسوم متکی است. در چارچوب این تعریف، مشخص شدن زمانی که تهدیدی علیه امنیت اجتماعی وجود دارد، دشوار می گردد. امنیت اجتماعی، مربوط به وضعیتی است که جوامع، تهدیدی نسبت به مؤلفه های هویت خود احساس می کنند. (موتیمر، ۱۳۸۰، ۳۸۸) یور به جای دولت، جامعه را به مثابه هدف مرجع امنیت مطرح می کند و می گوید: "جامعه را مجموعه ای از نهادهایی می دانم که با احساسی از هویت مشترک عجین باشند. جامعه از دیگر گروه های اجتماعی، به سبب داشتن درجه بالایی از ثبات اجتماعی، تداوم میان نسلها و زیرساختار مستحکم از هنجارها، ارزشها و نهادهای متفاوت است. (موتیمر، ۱۳۸۰، ۳۸۹) وی معتقد است می توان جامعه را از گروه اجتماعی متمایز کرد. به عبارت مختصر، نمی توان همه اقسام گروه های اجتماعی را جامعه دانست. گروه های اجتماعی باید آنقدر حائز اهمیت باشند که به نوبه خود مرجع امنیت قرار گیرند و همانند دولت می بایست به عنوان یک جزء در سامانه بین المللی عمل نمایند. (ملک زاده، نیازخانی، ۱۳۹۸، ۱۹) این بدان معنی است که امنیت اجتماعی در ارتباط با امنیت جامعه به عنوان یک کل متشکل، مطرح است، نه به عنوان امنیت گروه های مختلفی که در جامعه وجود دارند. ویور، بیان می دارد که نه در سطح جهانی عمل می کند و نه در سطح فردی؛ بلکه مقوله ای است پیرامون تعامل گروه ها و ادامه می دهد در مقوله امنیت، آنچه حائز اهمیت است؛ عبارت از زمانی

است که امکان بسیج کردن یک گروه چشمگیر وجود داشته باشد؛ بنابراین، در اینجا گروه های اجتماعی، مورد توجه هستند که قادرند در راستا و در کنار دولت به عنوان اجزای مهم سیاسی در سامانه بین المللی، دست به اقداماتی بزنند.

در اروپای کنونی عموم این گروه ها، ملی هستند (بوزان، ۱۳۸۹، ۴۱) با این تفصیل، اجزای اصلی تحلیل در مقوله امنیت اجتماعی؛ عبارتند از گروه هایی که از لحاظ قومی، ملی و مذهبی دارای اهمیت سیاسی هستند؛ بنابراین با تغییر ایده دولت به ایده جامعه به مثابه هدف مرجع امنیت اجتماعی، نوع تهدیدات نیز از نظامی به هویتی تغییر می یابد؛ چرا که با فرض قبول جامعه به عنوان نظام روابط متقابل که افراد دارای هویت مشترک را به یکدیگر مربوط می سازد، تهدیدات جامعه در قلمرو هویت معنا می یابد؛ به بیان دیگر، با تحول هدف مرجع امنیت، ماهیت تهدیدات نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی می شود و آمادگی نظامی نیز به نخستین بازار تحقق امنیت مبدل می گردد.

مبحث دوم: خصوصیات پلیس، ویژگی ها و جایگاه آن در جامعه
در این مبحث با بررسی مشخصه های پلیس امنیت محور به چگونگی ایفای وظایف آن در جامعه و در ابعاد مختلف می پردازیم تا نقش پلیس در یک رویکرد مشارکتی تبیین گردد.
گفتار اول: ویژگی اخلاق مداری پلیس

توسعه قابل توجه فعالیت ها و وظایف پلیس و اهمیت آن در زندگی مردم و اقتدار قانونی آن در راستای تأمین امنیت و آسایش فردی و اجتماعی و عدالت موجب گردیده مأموریت و کار پلیس و رفتار آنان مورد توجه ویژه مردم قرار گیرد. ماهیت وظایف پلیس و ارتباط تنگاتنگ آنها با مسائل خرد و کلان زندگی فردی و اجتماعی، آنان را از دیگر کارگزاران اجتماع متمایز ساخته است. مبارزه آنان با قانون شکنان و بزهکاران از یک



جمهوریت و اسلامیت نظام مقتضیاتی دارد که پلیس باید بتواند خودش را در این چارچوب ها هماهنگ و آماده نماید که در این زمینه دانشگاه می تواند نقش ویژه ای را ایفا نماید تا به اهدافی چون تولید دانش انتظامی، ارائه تعریف جامع و مانع از پلیس مطلوب، تبیین پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد تعامل درون سازمانی، ارائه راه حل های منطقی جهت استفاده پلیس مطلوب، انطباق پلیس با تغییرات جامعه امروزی بتوان دست یافت. امروزه وظایف پلیس دستخوش تحولات بنیادین و اساسی از پلیس اقتدارگر یا پلیس حاکمیت به سمت پلیس مشارکت گرای مردمی و یا پلیس اجتماعی گردیده است اگر چه جهت برقراری امنیت و آسایش در جامعه و بویژه برقراری امنیت روانی شهروندان هر دو چهره پلیس باید جلوه نمایی کند. (سردار معصوم بیگی، ۱۳۹۹)

وظایف اصلی پلیس می تواند عبارت باشد از: ایجاد نظم و کنترل تنش ها و حمایت از اقتدار و حاکمیت دولت، تأمین امنیت و آسایش شهروندان، پیشگیری از وقوع جرم و خشونت های اجتماعی و مبارزه با عوامل مخل قانون، پاسخگویی به نیازهای مردمی در ابعاد مختلف، ایفای نقش ضابط قضایی در جهت تسهیل رسیدگی به پرونده های قضایی، کنترل ترافیک و مدیریت و مهندسی عبور و مرور در شهرها و جاده ها و بالاخره امر به معروف و نهی از منکر که البته این امر به دلیل اهمیت، حساسیت و خلاقیت ویژه نیاز به آموزش خاصی دارد تا پلیس بتواند این وظیفه ی بسیار مهم اجتماعی را به شکل مطلوب به جا آورد و منظور از مطلوبیت میزان موفقیت پلیس است که در فرایند انجام مأموریت ها و وظایفش بدان ها نائل می گردد. به سخنی دیگر پلیس مطلوب پلیسی است که درصد بالایی از مأموریت های خود را با موفقیت و با ضریب خطای اندک به انجام رساند البته شاخص ها و شرایط فرهنگی و اجتماعی هر کشور ی به طور کلی در مطلوبیت پلیس مؤثر می باشد یعنی مطلوبیت پدیده ایی

سو و پناه و مأمن و ملجاء بودن پلیس در چشم مردم که نیازمند امنیت و آسایش می باشند و نیز قربانیان و بزه دیدگان از دیگر ابعاد گسترده مأموریت های پلیسی است. با توجه به اهمیت ویژه فعالیت های پلیسی و نیازها و انتظارات اجتماع، طبیعی است سازمان پلیس و مأموران آن از قابلیت های ممتاز و ویژه ایی در ابعاد مختلف اخلاقی و اقتصادی تخصصی برخوردار باشند تا شایستگی پاسخگویی به نیازهای مردم و اجتماع را در مقام عمل داشته باشند، لذا در گزینش و استخدام افراد پلیس باید دقت کافی به عمل آید تا نیروهای استخدامی واجد شرایطی از جمله اصالت خانوادگی، تقوی و پاکدامنی و وضعیت جسمانی مناسب، برخورداری از ذکاوت و هوشمندی، تعادل روحی و روانی، برخورداری از انگیزه خدمت به مردم، دارا بودن صبر و حوصله در رفتار با مردم و... باشند تا افسران پلیس در ذهن شهروندان قهرمان مبارزه با بدی ها و پلیدی ها باشند و در عین اقتدار نماینده خوبی ها و مهربانی باشند. چنانچه موارد متعددی در نهج البلاغه وجود دارد که در آنها امیرالمومنین به کارگزاران خود توصیه می نماید تا با مردم مدارا نمایند و با آنها با فروتنی و گشاده رویی رفتار نمایند و از خشم و تندی و سخت گیری بی مورد بپرهیزند (واثق، ۱۳، ۱۳۹۶).

بنابراین شاخصه ها و اصول نظامنامه اخلاقی پلیس باید جامع باشد تا بتواند در عمل موفق باشد و راهنمای افسران و کارکنان پلیس قرارگیرد و در نهایت رضایت شهروندان را تأمین نماید که رجوع به منابع معتبر دینی نیز می تواند یکی از عوامل مؤثر در این زمینه باشد تا شاخصه هایی چون خدامحوری و دین مداری، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظلم، خوش رفتاری، فروتنی و خویشترن داری، تعهد و قانون گرایی و... به بار نشیند.

گفتار دوم: ویژگی های پلیس مطلوب در نظام اسلامی



پلیس

ه) وجود الگوی رفتاری مناسب پلیس برای دانشجویان پلیس

۴- متغیرها و شاخصه های تجهیزات ، امکانات مدرن پلیسی شامل :

الف) ساختمان های مناسب پلیسی جهت پاسخگویی سریع و راحت به

مردم

ب) فناوری های پیشرفته برای اجرای سریع و دقیق مأموریت ها به ویژه استفاده از فناوری پیشرفته رایانه ای .

۵- شاخصه های مدیریتی متعهد و کارآمد شامل :

الف) مدیران و فرمانده هان متعهد و کارآمد

ب) وجود معیارهای کاربردی برای انتخابات و به کار گیری افراد در

مسئولیت ها و مناسب پلیسی

ج) توزیع مدیریتی صحیح

د) برخورداری از صحت عمل در فرآیند اجرای مأموریتهای پلیسی

۶- همبستگی سازمانی

۷- اطلاع رسانی و استفاده از ابزارهای لازم جهت برقراری منطقی با مردم

با استفاده از مطبوعات و رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما

۸- قانون گرایی و بی طرفی پلیس متناسب با شرایط اجتماعی

همچنین در خصوص ویژگی های برون سازمانی به متغیرهایی

همچون پایگاه و منزلت اجتماعی پلیس در جامعه و در میان شهروندان

، آشنایی مردم با وظایف پلیس و آشنایی آنان نسبت به وظیفه خودشان

در مقابل پلیس ، هماهنگی و تعامل میان پلیس و سایر دستگاه ها و

مشخص نمودن جایگاه هرکدام در تأمین امنیت و آسایش عمومی ،

حمایت شهروندان و رسانه های گروهی به عنوان حامی شهروندان و حافظ

امنیت و آسایش عمومی می توان توجه داشت.

گفتار سوم: ویژگی اقتدار در نیروی پلیس

نسبی است و از جامعه ای به جامعه دیگر فرق می کند. متغیرهای تأثیرگذار بر مطلوبیت پلیس در دو بخش متغیر های درون سازمانی و متغیرهای برون سازمانی تعریف شده اند که در بخش درون سازمانی عبارتند از :

۱- ساختار سازمانی پلیس : متغیر ساختار سازمانی تأثیری حیاتی و اساسی در فرآیند مدیریت پلیس ایفا می نماید و این عقیده که پلیس نوین ماهیتاً از نیروی نظامی فاصله گرفته و رویکردی مدیریتی دارد ، ضرورت طراحی ساختار سازمان مناسبی را ایجاب می کند و باید از الگوهای مدیریتی علمی در این زمینه بهره برد. برای مثال جهت رفع اشکالات موجود در ساختار سازمانی نیروی انتظامی ، می توان در متغیرهایی چون جذب و استخدام ، آموزش و تربیت نیروهای انسانی ، مدیریت و فرماندهی ، تخصصی بودن مأموریت مأمور و ... بازنگری نمود تا در کار آمدی و اثر بخشی و مطلوبیت ناجا تأثیر گذار باشد .

۲- شاخص های استخدام و جذب که به ترتیب اولویت شامل موارد زیر می باشد :

الف) گزینش داوطلبان با انگیزه و علاقه مند به پلیس

ب) وضعیت جسمانی مناسب داوطلبان

ج) ضریب هوشی و استعداد مطلوب

د) اصالت خانوادگی داوطلبان

۳- شاخصه های آموزشی و تربیتی که شامل موارد زیر می باشد :

الف) کاربردی بودن آموزش ها

ب) وجود مربیان متخصص ، متعهد و کارآزموده جهت تربیت نیروهای

انسانی

ج) وجود فضای آموزشی مناسب و جذاب

د) بهره مندی از وسایل کمک آموزشی به روز و علمی و منابع معتبر



رعایت کند وقتی شهروندان مشاهده می کنند که پلیس بیشتر از همه مطیع قوانین و مقررات می باشد و به شدت قانونگراست و از قانون عبور نمی کند می آموزند که می بایست قانون، نظم و انطباق و مقررات را محترم داشته و آن را رعایت کنند، چرا که اگر خلاف این موضوع در جامعه به وجود آید و اگر پلیس خود نسبت به قوانین و مقررات بی تفاوت باشد و مجری آن نباشد به طور طبیعی موجب بدآموزی و تداعی فاسدی در جامعه خواهد داشت. در واقع پلیس با رعایت قانون به ویژه زمانی که ملبس به لباس پلیسی می باشد و یا در حال مأموریت است، مطلوبیت خود را به اثبات می رساند به عنوان مثال وقتی پلیس خود هنگام رانندگی از کمربند ایمنی استفاده نمی کند دیگر نمی توان از شهروندان، انتظار پابندی به قانون را داشت و یا هنگام برخورد با مجرمان باید از قوانین تبعیت کند و آنچه را که دستگاه قضایی وی را مکلف به آن می سازد، مطیع باشد در حقیقت رفتار پلیس باید در قالب حفظ کرامت انسانها و احترام به شخصیت آنها باشد. در جوامع امروزی مردم باور کرده اند که پلیس جزو ملزومات اولیه زندگی آنهاست و این نهاد خدمتگزار هرچه مقتدرتر و با صلابت تر عمل کند در نهایت نفع متوجه همه افراد جامعه می شود لذا سروکار داشتن با معدود افراد هنجار شکن و اخلاص گر در جامعه نباید نگاه غالب پلیس در تعاملات اجتماعی باشد. پلیس مطلوب باید به خوبی گروه خلاف کاران را از مردم عادی جدا کرده با هر یک برخورد مناسبی داشته باشد چرا که درصد ناچیزی از جامعه هنجار شکن و مجرم می باشند و این امر نباید نوع رفتار پلیس با این قشر را به همه افراد جامعه دهد و در چنین شرایطی است که مردم دستورات پلیس را از روی پذیرش، رضایت و اقناع خواهد پذیرفت و دیگر احساس تحمیل، زور و اجبار نمی کنند و همین روحیه زمینه ساز تعاملات پویا، شاداب و منطقی بین پلیس و مردم خواهد بود. نکته ایی که در این خصوص باید

می توان گفت که پلیس مطلوب همان پلیس مقتدر است، پلیسی که با نمایش اقتدار خود، بتواند وظیفه ی خود را که همان برقراری امنیت اجتماعی است، بدرستی به انجام برساند. (معینی فر ۱۳۹۸، ۲۸) پلیس نماد اقتدار نظام سیاسی هر کشور است و بین اقتدار سیاسی و امنیت اجتماعی رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد در حقیقت پلیس مقتدر می تواند توانایی حکومت در مقابله با بزهکاران و قانون شکنان را نمایان سازد، فرصت را از هنجار شکنان گرفته و مانع از تعرض آنان به جان و مال و ناموس مردم شود و اجازه طمع نمودن به انجام رفتارهای مجرمانه را به آنها ندهد و مهمتر اینکه اعتماد شهروندان را نسبت به حاکمیت در مبارزه با بزهکاران افزایش دهد که این امر زیربنای اصلی برقراری امنیت در جامعه می باشد. لذا پلیس مقتدر امنیت و آرامش را به جامعه به ارمغان می آورد و در چنین حالتی است که مشروعیت و مقبولیت حکومت در میان مردم افزایش پیدا کند و دستاورد چنین جریانی، ایجاد امنیت اجتماعی در جامعه خواهد بود. چرا که اصلی ترین مطالبه مردم از حکومت ایجاد امنیت اجتماعی در جامعه و احساس امنیت می باشد و اگر نقصی در سایر بخش های جامعه از جمله امور اقتصادی، رفاهی و... وجود داشته باشد تحمل می کنند اما عدم وجود امنیت را بر نمی تابند و هیچ عذری را در این خصوص از حکومت نمی پذیرند. بنابراین امنیت اجتماعی مطلوب در گرو داشتن حکومتی مقتدر است و حکومت مقتدر، بدون وجود پلیس مقتدر، هوشمند، توانا و با کفایت که هدف اصلی او پاسداری از جان و مال و ناموس و آبروی انسانهاست و در این راه نهایت تلاش خود را انجام می دهد، محقق نخواهد شد.

گفتار چهارم: ویژگی پابندی پلیس به قانون

پلیس مطلوب، پلیسی است که خودش قوانین و مقررات را به خوبی



های موجود در این زمینه برخورد نمود و این بدان علت می باشد که پلیس جلوه ای از حاکمیت می باشد که شهروندان جامعه خودشان با تفویض مقداری از قدرت خودشان، برقراری نظم عمومی به این بازوی حاکمیت، در حقیقت هزینه ها و مسئولیت های استفاده از این نیرو را تا حدودی پذیرفته اند و همین امر باعث تفاوت در مسئولیت مدنی پلیس با سایر سازمان و نهادهای دولتی می باشد. اما آزادی عمل در رفتار پلیس نباید به نحوی باشد که شهروندان زیان دیده از عمل پلیس امیدی برای مطالبه خسارت خود نداشته باشند. لذا با وضع قوانین مناسب که پاسخگوی مشکلات درخصوص مورد باشد و نیز آگاهاندن شهروندان به قوانین و متوجه نمودن مسئولیت به سازمان به ویژه در برخی اقدامات پلیس که از مصادیق تجاوز به حریم خصوصی یا استفاده از زور در موقعیت های خاص می باشد، می توان مسئولیت مدنی پلیس را تبیین نمود. لازم به ذکر می باشد که مقنن در مورد خساراتی که پلیس به سازمان پلیس وارد می کند، حساسیت بیشتری نشان داده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، در موارد زیادی به مسئولیت مدنی او در قبال سازمان تصریح می کند که این امر بیانگر آن می باشد که در نگاه قانونگذار خسارات وارده به سازمان پلیس مهمتر از خسارات وارده به مردم می باشد. (علوی فر، ۱۳۹۵، ۲۷)

در مواد ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۷۸، ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، ضمن بیان مجازات های قانونی پرسنل نظامی به مسئولیت مدنی آنان نیز تصریح شده است. برخی از حقوقدانان براین باورند که در امور فنی و تخصصی نمی توان رفتار انسان متعارف را به عنوان معیار تمیز خطا از صواب پذیرفت و دآوری عرف که بطور معمول به یاری ذوق و از راه اشراق بدست می آید، گاه چنان با واقعیت های علمی و فنی ناسازگار است که به ناچار باید در نفوذ و اعتبار آن تردید

یادآور شد این است که این رویکرد پلیس هرگز به معنای نفی زور و اقدامات بازدارنده و تنبیهی علیه هنجار شکنان و مجرمان نمی باشد. (شاکری، ۱۳۹۷، ۱۰) مسئله مهم آن است که در راستای هدف مهم اصلاح فرد و جامعه، شیوه ایی که متناسب تر، اثرگذارتر و کم هزینه تر است، مورد گزینش واقع گردد و پلیس مطلوب پس از جلب اعتماد و مشارکت مردم، میتواند از آنها بخواهد که بالاترین سطح مشارکت خود را به نمایش بگذارند و آن همان پایبندی به ارزش ها و قانون و عدم ارتکاب خلاف و رفتار مجرمانه خواهد بود.

گفتار پنجم: مسئولیت مدنی پلیس

پلیس به عنوان حافظ جان، مال، آبرو و حیثیت شهروندان وظیفه خطیر و دشواری پیش رو دارد که افراد به هنگام مواجهه با انواع خطرات به او متوسل می شوند تا از چتر حمایتی اش بهره مند گردند، پلیس از نیروی بازدارنده خود در جهت حمایت فیزیکی و معنوی از شهروندان با اقدامات مناسب و ضروری استفاده می کند تا نقش خود را در استقرار امنیت و پیشگیری و مبارزه با جرم ایفا نماید اما یکی از مباحثی که به هنگام استفاده پلیس از نیروی خود مطرح می گردد، مسئولیت مدنی پلیس می باشد و می بایستی قواعد ویژه و خاصی براساس وظیفه ای که پلیس در جامعه دارد برای او در نظر گرفته شود، قواعدی که بتواند هم منافع شهروندان را در راستای حمایت از حقوق شهروندی حفظ نماید و هم پلیس را با محدودیت هایی مواجه نسازد که او را از ایفای وظیفه ی خود بازدارد لذا یکی از راهکارهایی که میتواند در این خصوص مطرح گردد، ارتباط مسئولیت پلیس با سازمان متبوع او می باشد و نه خود پلیس، یعنی مسئولیت مدنی ناشی از وظایف پلیسی برعهده سازمان پلیس باشد که این امر مستلزم وضع قوانین خاصی در این زمینه می باشد چرا که با استناد به قانون مسئولیت مدنی نمی توان با موانع و محدودیت



چالش های نیروی پلیس باشد. به عبارتی، مردمی سازی سازمان پلیس یعنی به کارگیری شهروندان جامعه برای انجام برخی کارها در ادارات پلیس روش مقرون به صرفه ایی برای استفاده از استعدادها و توانایی های فراوان و متنوع شهروندان می باشد. همین امر موجب می شود تا نیروهای رسمی پلیس فرصت یابند تا به اموری که برای آنها دوره های تخصصی گذرانده اند بپردازند، چرا که بسیاری از کارهای روزمره که توسط نیروهای پلیس انجام می شود نیاز به نیروی مجرب نداشته و همین نیروهای کمکی نیز با مقداری تعلیم و آموزش می توانند از عهده انجام برآیند. نیروهای بسیج در ایران نمونه ای از نیروهای مردمی پلیس به شمار می روند که در مواقع بحرانی، بطور جدی پلیس را یاری می نمایند اما نکته قابل ذکر آن است که این نیروها باید به حدی آموزش دیده باشند که متعرض حقوق شهروندی نشده و در رفتار خود با شهروندان، حفظ کرامت آنها را در اولویت قرار دهند. استفاده از فناوری های جدید که در کشف و تعقیب مجرمین پلیس را یاری می نمایند، تمرکز بر روی مکان های وقوع جرم (نقاط جرم خیز شهری) و تمرکز بر روی مجرمین سابقه دار، می توانند از عوامل موثر در مدیریت پلیس و بهره وری بالای آن باشند و در تأمین رضایت شهروندان از نیروی پلیس که یکی از پرهزینه ترین خدمات شهری است مؤثر باشد. بهره وری نیروی پلیس از روی کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده اندازه گیری می شود و ارتقای بهره وری کارکنان پلیس هدف مطلوب مدیریت است. بهره وری نیروهای پلیس متأثر از عواملی چون آموزش و تجربه، اهدای جوایز و تشویق های به موقع، ارائه وسایل پیشرفته و فناوری های به روز می باشد. ایجاد روحیه ی کاری نیز یکی از وظایف اصلی مدیران سازمان پلیس می باشد که در بهره وری نیروی پلیس می تواند بسیار مفید باشد.

مبحث سوم: سازو کارهای ارتقاء امنیت اجتماعی

نمود بخصوص از انسانی که با مفاهیم علمی و فنی ویژه ای خو گرفته نمی توان انتظار داشت که در واکنش خود شان بسان مردم عادی باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۸) لذا برای شناسایی تقصیر پلیس باید رفتار یک پلیس متعارف و محتاط را معیار قرار داد. بنابراین پلیسی که در اجرای وظایف محوله، از ارزشهای فنی و اصول حرفه ای خود تجاوز نماید و ضرر و زیانی وارد سازد مرتکب تقصیر شده است. لذا با تشخیص تقصیر پلیس می توان مسئولیت مدنی وی را مشخص نمود که البته شناسایی این امر باید با معیار شغلی و حرفه ای پلیس صورت گیرد تا با دآوری عرف و در صورت وجود ضرر و زیان در غیر موارد تقصیر به هنگام مأموریت در عملیات های خاص، مسئولیت مدنی ناشی از آن باید متوجه سازمان پلیس باشد.

گفتار ششم: مدیریت پلیس و بهره وری واحدهای انتظامی

پلیس جامعه گرا پلیسی است که از گروه های مردمی استفاده می کند و تعامل بسیار خوبی با مردم و اهالی محلات دارد. گروه های مردمی این امکان را فراهم می کنند که ساکنان با واحدهای پلیس مستقر در محله خود در راستای مبارزه برای آنچه که متعلق به خودشان می باشد یعنی جامعه متحد شوند. این گونه گروه های مردمی در بالا بردن سطح کیفی پلیس نقش زیادی دارند. شهروندانی که در این گروه ها فعالیت می نمایند در واقع نمایندگان پلیس در میان مردم بوده و از فعالیت پلیس حمایت می کنند این گروه ها به عنوان نیروهای نیمه وقت، کمکی، و نیروهای فوق العاده در امر توسعه منابع انسانی نیروی پلیس، سرمایه بسیار ارزشمندی می باشند. در این خصوص می توان از نیروهای بازنشسته پلیس که دارای تجربیات زیادی می باشند استفاده نمود و این موضوع باعث صرفه جویی در زمان و هزینه ها می شود در حقیقت بازایی نیروهای مجرب به عنوان نیروهای کمکی می تواند روش مؤثری در رفع



دستیابی به اهداف نظام یکی از خصوصیات مهم جامعه ایده آل می باشد و این امر هنگامی حاصل می گردد که اعضای آن جامعه به عنوان عناصر تشکیل دهنده اجزای نظام اجتماعی و ظایف خود را شناخته و به آن عمل نمایند. مسئولیت اجتماعی افراد به عنوان یکی از عوامل به وجود آورنده اتحاد، نظم و امنیت شناخته می شود که می تواند مسائلی را به دنبال خود بکشد که برای هر جامعه ای حیاتی و مهم می باشد. (مرادی و جلائیان، ۱۳۹۶، ۳۰)

اصولاً موضوع نقش شهروندان در امنیت اجتماعی پدیده ای فراگیر و حتی تبدیل به دغدغه اصلی سازمانهایی همچون پلیس در جامعه شده است. شناخت عوامل مرتبط با آن و نقش مشارکتهای مردمی و سازمانهای غیررسمی در آن در جامعه هم برای امنیت مردم و هم سازوکار سازمانها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این شناخت می تواند در برنامه ریزی های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و امنیتی و نیز پیدا کردن راه کارها و سیاست های مناسب برای حل معضلات و مشکلات امنیت اجتماعی بکار گرفته شود.

بنا بر آنچه گفته شد، یکی از موضوعاتی که عامل مهمی در تأمین امنیت محسوب می شود مشارکت جدی مردم در مبارزه علیه جرم و بزهکاری و پیشگیری از آن است.

همه ساله، حجم فراوانی از درآمد ملی کشورها صرف مبارزه با جرم و ساماندهی تلاش های گوناگون بین المللی و ملی و محلی برای مهار پدیده مجرمانه می شود. زمانی تصور می شد که شدت عمل و ارباب بزهکاران تنها راه چاره برای مهار جرم و ناامنی است، لیکن تجربیات بشر ثابت کرد که پیشگیری بسیار راحت تر و کم هزینه تر از سرکوب و مجازات است. به همین دلیل علم جدیدی به نام سیاست جنایی ظهور پیدا کرد که فعالیت های بدنه اجتماع را برای پاسخ به پدیده مجرمانه ساماندهی

یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی "مشارکت" در صحنه های گوناگون ملی است. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است زیرا مشارکت مردمی می تواند به مثابه مؤثرترین و مناسبترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحرانهای سیاسی اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر دولتی که بتواند جلوه های بیشتری از همکاری و همدلی توده های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بخصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، جلب نماید، در جامعه بین المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع تری برخوردار می گردد. (شعبانی، ۱۳۸۰، ۴)

اگر چه مشارکت افراد اجتماع در برقراری امنیت اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است، نبودن امنیت در یک اجتماع یک خطر بزرگ و تهدید کننده محسوب می شود، اما گاه به دلیل عدم آگاهی افراد از این تهدید، واکنش آنها نسبت به امنیت کم رنگتر می شود اما مساله آگاهی از تهدیدها و خطرهای دارای بُعد روانشناسی بالایی است و بحث اینکه اینگونه افراد را باید چگونه از این عدم امنیت آگاه سازیم بسیار مهم می شود. برانگیختن وجدان اخلاقی و اجتماعی، یکی از عوامل جلب مشارکت اجتماعی است. همان حالتی که در تعابیر گوناگون همچون حیثیت، تعصب، غیرت ورزیدن و حساسیت اجتماعی و سیاسی بیان می شود و مفهوم مقابل آن، عبارت است از بی تفاوتی، بی حسی عاطفی و آرامش بیمارگونه در برابر پدیده های تلخ و نامطلوب انسانی، اجتماعی و سیاسی. همانطور که واکنشهای طبیعی بدن در برابر عوامل بیماری، نشانه سلامت زیستی موجود زنده است حساسیت های اخلاقی، انسانی، اجتماعی و سیاسی نیز نشانه سلامت عاطفی و اجتماعی یک جامعه به شمار می آید. بدون شک نظم و امنیت اجتماعی به معنی هماهنگی اجزای نظام اجتماعی جهت



گیرد، حرکت جوامع حرکتی غیرموثر، ناکارآمد و درجا خواهد بود و هزینه زایی بالایی را برای تحولات آتی در بر خواهد داشت. (شریفی، ۱۳۹۴، ۶۱) مشارکت اجتماعی به طور اخص به مفهوم شرکت آگاهانه، خودانگیخته، ارادی و قصدمند افراد و گروه ها در امور اجتماعی جامعه و به منظور سهیم شدن در کارها، تسریع و تسهیل انجام امور جامعه و کمک به اهداف توسعه اجتماعی است (علوی فر، ۱۳۹۵، ۱۹). برابر تعریف دیگری، مشارکت اجتماعی "تقبل آگاهانه انجام بخشی از امور در شکل همکاری از روی رغبت به قصد بهبود و بهسازی زندگی اجتماعی است". (لینچ و کاپلان، ۲۰۱۷، ۲۹۸) نسل های گذشته معنای مشارکت اجتماعی را تنها آگاهی یافتن افراد از تصمیم گیری ها می دانستند و آن را صرفا بیانیه هایی یک جانبه از سوی مدیران به جامعه تصور می کردند؛ اما امروزه و در شرایط حاضر مفاهیم جدیدتری ذیل مقوله مشارکت مطرح شده که به آن ابعاد گوناگونی می بخشد. تحولات دوران حاضر شکل جدیدی به جامعه شهری و روابط آن داده است. جامعه نوین شهری با ویژگی هایی چون ناهمگونی جمعیتی، تحرک اجتماعی بالا، تفکیک و قشربندی اجتماعی گسترده و سازماندهی اجتماعی و سیاسی جدید به همراه مطالبات گوناگون و پراکنده سیاسی، اجتماعی و مدنی شهروندان، زمینه ساز شکل گیری روابط جدیدی میان آنان و حکومت های محلی (دولتهای شهری) شده است. (صادقی، ۱۳۹۵، ۱۳) و به عقیده لرنر جامعه جدید، مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت جو می باشد. حاصل پژوهش ها و تجربیات پژوهشگران دلالت بر آن دارد که مشارکت اجتماعی شهروندان، سبب افزایش بازدهی، بالا رفتن کیفیت، کاهش تعارض و کاهش مقاومت های منفی همچون غیبت، تاخیر و کم کاری و افزایش درآمد خواهد شد.

یکی از موارد مهمی که می تواند در تداوم و بالا بردن سطح کیفیت

می کند. هر یک از قوای حکومتی عهده دار ایفای نقشی در سیاست جنایی هستند. این نقش بسته به نوع پاسخ به پدیده مجرمانه، متنوع است. به عنوان مثال در پاسخ های سرکوبگرانه، نقش سیستم عدالت کیفری، نقشی پررنگ و محوری است؛ در حالی که، در پاسخ های پیشگیرانه نقش قوه مجریه قوی تر به نظر می رسد.

پلیس قدرت و اقتدار خود را از قانون اساسی و قوانین مرتبط با حرفه پلیس به دست می آورد و چون در محدوده حقوق عمومی قرار می گیرد لازم است اختیارات و وظایف آن کاملاً معین و صریح باشد و جز به موجب قانون حق مداخله در کار را نداشته باشد. این تحدید و تصریح موجب حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم و امنیت جامعه است. در غیر این صورت راه سوءاستفاده باز شده و نیروی انتظامی دیگر نمی تواند رسالت اساسی خود را خصوصاً در بعد تأمین امنیت انجام دهد.

نکته مهم این است که در این مقطع از زمان و با توجه به گسترش مفهوم امنیت و اهداف و مسئولیت نیروی انتظامی در زمینه سیاست جنایی نوین، باید نیروی انتظامی زمانی وارد عمل شود که بقیه راه های مقابله به بهرکاری طی شده و نتیجه ای حاصل نشده باشد.

گفتار اول: مشارکت اجتماعی

امروزه برای همگان واضح و مبرهن گشته است که توسعه هر جامعه ای در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیاز به سهامداران آن جامعه که به نام «شهروندان» مطرح هستند، دارد. (عسگریان، ۱۳۹۶، ۵۴) به همین دلیل است که نام مشارکت به عنوان یک مفهوم پایه ای، یکی از مهمترین ارکان یک نظام مردم سالارانه و دموکراتیک محسوب می گردد. تاکید بر مشارکت، که نقطه وفاق اکثر دیدگاه های تعدیل یافته امروزی است، بیان می دارد که برای توسعه، به مشارکت مردمی نیاز مبرم و شدیدی وجود دارد که اگر مورد غفلت قرار



کند. حضور پلیس در بین مردم و تعامل با آنها می تواند موجب تشویق مردم به مشارکت در راهبردی های پیشگیرانه از جرم در محل همچون نگهبانی از محل و گزارشهای ناشناس از فعالیتهای مجرمانه شود. مطالعات انجام شده در شیکاگو حاکی از آن است که آغاز پلیس جامعه محور در این کشور نشان دهنده برخی راهها برای مشارکت شهروندان است و از زمان شروع آن، مشارکت شهروندان به عنوان یکی از مهمترین موفقیتها نیز تلقی شده است. (ملکشاهی، ۱۳۹۷، ۴۳) همچنین اسکوگان دریافت است که پلیس جامعه محور به سمت بستری بزرگ برای حفظ صلح جامعه اتکا یافته است.

از موارد دیگری که می تواند بر مشارکت اجتماعی شهروندان تاثیرگذار باشد، مقوله امنیت اجتماعی است. نتایج مطالعات انجام شده حاکی از آن است که میزان مشارکت اجتماعی مردم، تابع احساس امنیت و رضایت آنان از عملکرد ناجا می باشد (زرین کوب، ۱۳۹۵، ۱۵). همچنین عنوان شده است که با توجه به تحولات قرون اخیر، امنیت با مشارکت شهروندان امکان بقا و پایداری دارد. (دعاگویان، ۱۳۸۹، ۲۴) در واقع، یکی از عمیق ترین و حیاتی ترین نیازهای انسان که در هیچ دوره ای بشر بی نیاز از آن نبوده و نخواهد بود، نیاز به امنیت است. موضوعی که در قانون جمهوری اسلامی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته و در آن بیش از سی مورد تلویحا به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است. (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۴) امنیت مهمترین شاخصه یک جامعه است و در هر جامعه ای، برخورداری از امنیت در هر سطحی به صورت پایدار و همه جانبه از اهداف اساسی هر نظام اجتماعی است. در واقع، سعادت یک جامعه در گرو حفظ و بقاء امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن است. مفهوم امنیت یکی از شاخصه های کیفیت زندگی است که عدم وجود آن هر جامعه را با پیامدهای منفی مواجه خواهد کرد و مانع توسعه در ابعاد اقتصادی،

مشارکت اجتماعی شهروندان یک جامعه تاثیرگذار باشد، رویکرد جامعه محوری پلیس است. این مفهوم که در اوایل دهه ۱۹۸۰ شایع شد و جای واژگانی همچون ارتباط پلیس با جامعه، پلیس تیمی و پلیس مشکل گشا را گرفت، عبارت است از اینکه پلیس برای اداره امور پلیسی و مدیریت جامعه از سرمایه های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف، که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین و شاخص ترین نمادهای آن به حساب می آید، بهره گیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه داشته باشد. (قهرمانی، ۱۳۹۴، ۲۴) به بیانی دیگر، جامعه محوری پلیس، نوعی راهبرد اصلاحی و رفرفرمی است که هدف آن، پاسخگو کردن پلیس در برابر انتظارات و خواسته های اجتماع است.

پلیس (نیروی انتظامی) مهمترین نهاد نظارت اجتماعی در هر کشوری می باشد. این نیرو در کشورهای دموکراتیک انحصار مشروع به کارگیری زور و اجبار و خشونت علیه بی نظمی را در اختیار دارد. (رنوئر، ۲۰۰۷، ۲۲) پلیس، اساسا برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است؛ بدون حمایت عموم مردم، پلیس توانایی حل و فصل جرایم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس، سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع دموکراتیک است (روزنبا، ۲۰۱۵، ۳۱) همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان

و دخالت دادن آنها در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آنها را کاهش می دهد. مشارکت شهروندان در گروه های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه های پاکسازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آنها کمک می



اجتماعی و سیاسی می شود.

به طور کلی، شرایط جهانی در مجموع و وضعیت کشورهای در حال توسعه در پایان قرن بیستم حاکی از تحولات جدی در زمینه مشارکت تمامی شهروندان یک جامعه از جمله زنان و مردان در فرآیند توسعه است. در واقع، با طرح مساله توسعه پایدار، انسان مشارکت جو، محور فرآیند توسعه محسوب شده است. در چنین توسعه ای، مشارکت موضوع اصلی در نظر گرفته شده است. در اینجا انسان و نیازهای واقعی او هدف نهایی توسعه پایدار است. توسعه درون زای پایدار، توسعه ای است که از پایین نشات می گیرد و لذا مردمی است، نیازهای پایدار اکثریت را مد نظر دارد و مستقل و به خود متکی است. بنابراین، مشارکت در این زمینه به عنوان سازوکار (مکانیسم) بسیج نیروها ضرورت و اهمیت می یابد (واثقی، ۱۳۹۶). به خصوص در جامعه امروز که مشارکت به صورت یک نیاز و ارزشی اخلاقی - انسانی درآمده که همراه با خود، عنصری از مسئولیت پذیری و عمل آگاهانه را حمل می کند و با تاسی جستن از توصیه های دین مبین اسلام نیز باید اذعان داشت که مشارکت انسان ها، تضمین کننده بقای اجتماعی بوده و یک جامعه پویا، جامعه ای مشارکت جو در تمامی حوزه های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی خواهد بود و خداوند متعال نیز در آیه دوم سوره مبارکه «مائده» مسلمانان را به تعاون و یاری رساندن به یکدیگر فرمان داده است. مروری بر نظریه ها و دیدگاه های مربوط به مشارکت شهروندان، این واقعیت تاریخی را آشکار می سازد که مشارکت معنادار شهروندان می تواند موجب استواری نظام شهری، نهادینه شدن انسجام اجتماعی و افزایش اثربخشی دستگاه های نظارتی گردد (دعاگویان، ۱۳۸۹). مابریخی مطالعه پژوهش های انجام شده نشان می دهد که این امر، در برخی جوامع به خصوص در جوامع در حال گذر، کمتر اتفاق می افتد و شهروندان در این جوامع، تمایلی به مشارکت

در امور شهر و کشورشان نشان نمی دهند. در واقع، حساسیت اجتماعی

به مسائل و فعالیت های شهری در این جوامع کم است.

در این راستا و در این فصل تلاش گردیده تا با توجه به نقش پلیس که امروزه رویکرد «اقتدارگرایی» خود را پشت سر گذاشته و وارد دوره «جامعه گرایی» شده است، با رویکردی کاربردی به بررسی نقش مشارکت اجتماعی و پلیس به عنوان تامین کننده امنیت و برقراری احساس امنیت در میان مردم، محافظت از اجتماع، کمک به مردم و ایجاد اطمینان قلبی در آنان و از همه مهمتر اجرای درست قانون در مشارکت اجتماعی شهروندان با تاکید بر رویکرد جامعه محوری پلیس و تعدیل گری امنیت اجتماعی در جهت مشارکت در امور مختلف شهری و کشوری جهت رسیدن به توسعه پایدار باشند، پرداخته شود.

گفتار دوم: دیدگاه مکاتب مختلف به مشارکت اجتماعی

۱- مکتب ساخت گرایی: این مکتب معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می دهد. از نظر صاحب نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه شده در جامعه اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می کند و موجب بقا و ادامه حیات آنها می شود. زیبا کلام، ۱۳۹۷، ۵۴). برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت های گوناگون جامعه ایجاد شود.

۲- مکتب کارکردگرایی: این مکتب توجه خود را به نقش ها و کارکردهایی معطوف می دارد که مشارکت افراد یا گروه ها در جامعه موجب پدید آمدن آنها می شود. از نظر طرفداران این مکتب عملکرد یا فونکسیون که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه به وجود می آورد، حائز اهمیت است. زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد. در این مکتب،



دارد. اما گسترده ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس (به عنوان نمایندگان مردم) که موجب ارتقاء رفاه جامعه می شود. پلیس جامعه محور، فلسفه ای سازمانی و رهیافتی مدیریتی است که همیاری و همکاری بین اجتماع و پلیس، روش های غیرمنفعلا نه حل مسئله، مشارکت اجتماع در شناسایی علل جرم، ترس از جرم و سایر مسائل اجتماع را تقویت می کند. مهمترین ویژگی برای پلیس جامعه محور را ایجاد تعامل نزدیک و پر کردن شکاف بین شهروندان و پلیس برشمرده اند. هر چند جامعه محوری دارای ابعاد وسیعی است و پژوهشگران مطالعات امنیتی و پلیسی از آن به عنوان یک فلسفه یاد می کنند جامعه محوری را می توان به نحوی متأثر از رویکردی در مرجع امنیت دانست که در آن، جامعه به عنوان مرجع امنیت یاد شده و امنیت را در تمام سطوح آن به نحوی فرآیندی اجتماعی و نه پروژه ای رسمی و با ساختار دولتی، تلقی می کند. جامعه محوری به عنوان یک شیوه و راهبرد تأمین امنیت، دارای ویژگیها و پیش فرضهایی است که می توان به برخی از آنها اشاره کرد:

- امنیت یک فرآیند اجتماعی است؛
- امنیت با مشارکت مردم و سایر نهادها قابل تأمین است؛
- طبق این دیدگاه دولتها بسیار کوچکتر و ضعیفتر از آن هستند که بتوانند به تنهایی در مدیریت این آسیبها توفیق حاصل نمایند؛
- امنیت رابطه ای مستقیم با اقتدار و ساز و کارهای امنیتی دارد؛
- امنیت صرفاً وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نبوده و رضایتمندی از اقدامات پلیس، جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات عمومی به باور و هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی کسب موفقیت و و اثربخشی اقدامات قانونی می باشد.

نقشی که هر جزئی از ساخت اجتماعی در رابطه با کل در جهت یکپارچگی ایفا می کند، حائز اهمیت است. (دیانت، ۱۳۹۸، ۸۲)

۳- مکتب تضاد: این مکتب، مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه ها مورد توجه قرار می دهد. نظریه پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه ای آرمانی و بی طبقه جست وجو می کند. (اسماعیلی، ۱۳۹۹، ۱۴)

۴- دیدگاه های فرهنگی: این دیدگاه جنبه های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای جامعه، به خصوص مجموعه ای از ارزش ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می شوند، بررسی می کند. در این دیدگاه ها اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی شود ولی ارزش های فرهنگی پیش نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می شوند. (ادیبی، ۱۳۹۶، ۱۹)

۵- دیدگاه های روان شناختی: این دیدگاه افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می دانند. به منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آنها الزامی است. در این دیدگاه، تاکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظراین دیدگاه انسان مدرن، شهروندی مشارکت کننده، آگاه، مستقل، خود مختار و قابل انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می کند. (محیط، ۱۳۹۸، ۵)

گفتار سوم: مفهوم جامعه محوری پلیس و مشارکت اجتماعی
پلیس جامعه محور مفهومی است که از بسیاری جنبه ها نیاز به تعریف



مشکلات جامعه مهمترین هدف خود می پندارد و بر این باور است که امنیت یک تولید جمعی است.

بر اساس تحقیقات بعمل آمده باید گفت که در مشارکت اجتماعی، پلیس تعامل بسیار نزدیک با خانواده ها و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی موجود در جامعه برقرار می نماید، مشکلات جوانان و نوجوانان را که ریشه بسیاری از ناهنجاری ها در جامعه می باشند را با اولویت بالایی می نگرد و با مدارس در سطح بالایی همکاری می کند و در خصوص بزهکاری اطفال و زنان با تشکیل پلیس زن، برنامه ریزی وسیعی جهت شناخت مشکلات آنها می نماید و با بهره گیری از تعالیم دینی و ارتباط با نهاد های مذهبی بویژه مساجد، در جهت تقویت شورا، امر به معروف و نهی از منکر و رواج عتوفت اسلامی می کوشد تا با استفاده از هر دو نوع پیشگیری اجتماعی رشد مدار و جامعه مدار در راستای اهداف خود که همانا ارتقاء امنیت اجتماعی می باشد دست یابد. در فرآیند کنترل و مبارزه با جرم، در راستای برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی پایدار، پلیس جایگاه ویژه ای دارد و می تواند با توسل به راهکارهای گوناگون به این پدیده واکنش نشان دهد. چرا که پلیس به عنوان متولی امنیت در جامعه، مسئولیت اصلی برقراری امنیت در جامعه را عهده دار می باشد. بدین منظور پیشگیری از وقوع جرم از اصلی ترین اهداف پلیس در هر جامعه می باشد چرا که هرگونه واکنش بعد از وقوع جرم در حقیقت می تواند درمانی برای امنیت از دست رفته باشد در حالی که در پیشگیری، پلیس به دنبال اقداماتی است تا بتواند مجرمین احتمالی را از خطر تهدید و تجاوز شهروندان مصون بدارد. پیشگیری پلیسی عمدتاً به دو صورت وضعی و اجتماعی صورت می گیرد. در پیشگیری وضعی هدف کنترل وضعیت های ماقبل جنایی و کاهش یا حذف فرصت های ارتکاب جرم از طریق افزایش موانع ارتکاب جرم و یا دشوار و سخت نمودن مسیر ارتکاب

هر چند وظیفه نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی تعریف عملیاتی در نظر گرفته نشده است و اقداماتی را که این نهاد در تأمین این سطح از امنیت انجام می دهد، با مرزهای امنیت عمومی که از وظایف و مأموریت های اصلی نیروی انتظامی مندرج در قانون این نیرو مصوب مجلس شورای اسلامی می باشد، انطباق دارد و در حقیقت نیروی انتظامی با رویکرد سلبی به تأمین امنیت اجتماعی نگاه می کند، به عبارتی نیروی انتظامی امنیت اجتماعی را صرفاً از دریچه ی امنیت اخلاقی مینگریست؛ یعنی تلقی نیروی انتظامی از نا امنی های اجتماعی مواردی چون شیوع فساد و فحشا، بدحجابی و بدپوششی، قاچاق مشروبات الکلی، قاچاق مواد مخدر، پارتنی های شبانه، کاروان های عروسی نامتعارف، روابط نامشروع و ... است که نیروی انتظامی مقابله با این گونه ناامنی های اجتماعی را وظیفه خود می داند اما با تغییر رویکرد صورت گرفته در ناجا، نتیجه عملکرد فعلی نیروی انتظامی با عنوان تأمین امنیت اجتماعی با مفهوم امنیت اجتماعی مطابقت دارد.

نتیجه گیری

حوزه امنیت مستثنی از سایر پدیده های اجتماعی و سیاسی نیست و به مرور زمان باید در جهت اهداف مطلوب دستخوش تغییر شود. از این رو، با حوزه معنایی امنیت قدیم و رویکردهای گذشته، نمی توان به تحقق امنیت برای جامعه آینده خوش بین بود و با سرمایه های اجتماعی گذشته به انجام امور جمعی آینده پرداخت. امروزه نیروی پلیس در کشورهای پیشرفته، دوره اقتدارگرایی خود را پشت سر گذاشته و وارد دوره جامعه گرایی شده است. در این دوره پلیس در جهت برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه حرکت می کند و به آموزش و آگاه سازی آنان می پردازد و با تشکیل پلیس مردمی، جلب مشارکت عمومی را در راستای حل



نطفه خاموش نماید.

بی شک میان مشارکت عمومی بین پلیس و جامعه در ارتقاء امنیت اجتماعی رابطه معنادار و همسویی وجود دارد. چرا که پلیس برای رسیدن به این مهم نیازمند جلب اعتماد و رضایت عمومی با توسل به راهکارهایی است که تعامل میان پلیس و مردم را تقویت می نماید و باعث می شوند مردم پلیس را در کنار خود و دوست خود بپندارند و در فرآیند تحقق امنیت در جامعه، مشارکتی فعال داشته باشند و پلیس را در پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم که بهترین و مؤثرترین نوع پیشگیری می باشد یاری نمایند.

جرم می باشد. به نحوی که با افزایش هزینه های ارتکاب جرم از به فعلیت در آمدن اندیشه مجرمانه جلوگیری به عمل آید. این نوع پیشگیری نوعی کنترل موقتی بزهکاری می باشد چرا که منجر به ظهور و بروز روش های جدید ارتکاب جرم و جابجایی جرم می شود. اما در نوع دیگر پیشگیری که همان پیشگیری اجتماعی از جرم می باشد، هدف مبارزه ریشه ای و اساسی با جرم و بزهکاری در جامعه می باشد و این امر نیاز به حضور گسترده پلیس و همکاری و تعامل پلیس با دیگر نهادهای مدنی و اجتماعی دارد تا در قالب یک رویکرد مشارکتی و جامعه محوری آحاد جامعه را در امر پیشگیری سهیم نموده و همه شهروندان را مسئول برقراری امنیت پایدار نموده و باریشه یابی ناهنجاری ها، علل وقوع جرم را شناسایی و در



منابع

کبیر

- ۱۵- افتخاری ، محمد علی(۱۳۹۸)، سیر اندیشه اداری و مبانی علم اداره ، تهران : نشر دانشگاه
- ۱۶- باری بوزان - پیناتل ، ژان ، جرم شناسی ، ترجمه رضا علوم(۱۳۹۶)، تهران : نشر پیروز
- ۱۷- ماندل ، شهروند و دولت ، ترجمه ابوالفضل قاضی(۱۳۹۶)، تهران : دانشگاه تهران
- ۱۸- پیرنیا (مشیرالدوله) و عباس اقبال ، دوره تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه ، انتشارات ابن سینا
- ۱۹- تحول نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۹۸)، انتشارات معاونت اجتماعی ناجا
- ۲۰- تول ، موتیمر، جامعه شناسی ، ترجمه هاشم رضی(۱۳۸۰)، تهران : نشر آسیا
- ۲۱- تای، ولفرز ، مدیریت پلیس بر اساس پیشگیری از وقوع جرم ، ترجمه گروه مترجمین اداره پژوهش ناجا (۱۳۹۵)، تهران: معاونت آموزش ناجا
- ۲۲- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر(۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق ، تهران : انتشارات گنج دانش
- ۲۳- چالوم ، موريس ، و دیگران . نقش پلیس در امنیت شهری و زمامداری بهینه ، ترجمه غلامرضا صدوق(۱۳۹۸)، تهران : دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا
- ۲۴- کریمی ، داوود(۱۳۹۶)، تعامل پلیس و مردم ، تهران: جهان جام جم
- ۲۵- دیانت ، محسن(۱۳۹۵) مکاتب حقوقی ، انتشاران دانژه
- ۲۶- دهخدا ، علی اکبر(۱۳۹۶)، لغت نامه دهخدا، چاپ هفتم، تهران : موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ج ۵
- ۲۷- ورسلی ، مولان ؛ قرارداد اجتماعی ، ترجمه غلامحسین زیرک زاده(۱۳۹۸)، چاپ نهم ، تهران : چاپ چهر
- ۲۸- رابرت ، ماندل(۱۳۹۶)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- میرمحمد تبار ، محمد حسین (۱۳۹۸)، پلیس و قدرت نرم ، نشر نیروی انتظامی
- ۴- هاشمیان فر ، شهرام (۱۳۹۸)، سیمای مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم، نشر میزان
- ۵- انصاری، والی ا... (۱۳۸۷) ، حقوق تحقیقات جنایی، چاپ اول. تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۶- انصاری، ولی ا... (۱۳۹۰)، حقوق تحقیقات جنایی [مطالعات تطبیقی] تهران: انتشارات سمت
- ۷- ایمن ، حافظ ، دفاع جامعه در مقابل جرم و مجرم(۱۳۹۳)، تهران : چاپ چهره
- ۸- استون ، فردیناند اف ؛ نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا ؛ ترجمه حسین صفایی (۱۳۹۷)؛ تهران : دانشگاه علامه طباطبایی
- ۹- ادیب، حسین (۱۳۹۶) نظریه های جامعه شناسی و حقوق ، نشر دانژه ، چاپ دوم
- ۱۰- اسماعیلی ، کرامت (۱۳۹۹) مطالعات اسنادی جامعه شناسی حقوق ، نشر آتیه
- ۱۱- عمید زنجانی (۱۳۹۶)، مقدمه حقوق تطبیقی ، چاپ پانزدهم ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- انصاری ، مسعود (۱۳۹۷)، مصونیت های قانونی ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۳- امیر ملک زاده ، مرتضی نیازخانی(۱۳۹۸)، پلیس کودکان و نوجوانان، تهران ، دانشگاه علوم انتظامی
- ۱۴- کریمی ، بهرام (۱۳۹۶)، جامعه شناسی احساس امنیت ، انتشارات امیر



گلیونه

- ۴۰- میر شفیعیان، مهدی (۱۳۹۸)، مقاله پلیس و اجتماع، نشر هرمس
- ۴۱- ملکشاهی، عبدالحمید (۱۳۹۷)، درس پلیس جنایی، دوره کارشناسی ارشد؛ دانشکده حقوق دانشگاه تهران
- ۴۲- نجفی، علیرضا (۱۳۹۹)، آشنایی با پلیس دیپلماتیک، مرکز چاپ و نشر حدیث کوثر
- ۴۳- نجفی ایرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵)، دانش نامه جرم شناسی، تهران: نشر گنج دانش
- منابع لاتین

Campbell, Henry, Black's law dictionary, ۶th. U.S.A west-۴۴ publisher, ۲۰۱۰

۴۵. How good is your training program? , law and order , (November ۲۰۱۷) , ۱۹-۲۰

۴۶. partical Aplication , the best kind Of training , law and . new York

۴۸. D J. of ۴۷. shomakher. ۲۰۱۹. Oxford university press

Jaishankar, K. (۲۰۱۶), Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes and Criminal Behavior, Florida, Boca Raton, Crcpress

- ۲۹- رجبی پور، محمود (۱۳۹۳)، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ سوم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه علوم انتظامی
- ۳۰- زیبا کلام، علی (۱۳۹۷)، جدال زندگی و حقوق، انتشارات علمی، چاپ سوم
- ۳۱- نوید نیا، حامد (۱۳۹۵)، تاریخ مردم ایران (در دو جلد قبل و بعد اسلام)؛ تهران: امیرکبیر
- ۳۲- معینی فر، سید رضا (۱۳۹۹)، پلیس- مردم. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی
- ۳۳- علوی فر، ناصر (۱۳۹۵)، امنیت و راهکارهای تأمین و توسعه آن
- ۳۴- کلاهچیان، محمود، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره ۱. ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۴۵
- ۳۵- کنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس (۱۳۹۷)، دانشگاه علوم انتظامی ناجا، دفتر مطالعات امنیت عمومی
- ۳۶- کی نیا، مهدی (۱۳۹۱)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم
- ۳۷- کی نیا، مهدی (۱۳۹۵)، علوم جنایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد نهم
- ۳۸- معین، محمد (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر امیرکبیر
- ۳۹- مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی ۱، تنظیم: احمد کاهه، انتشارات